سوره یس

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

یس ❁ والقرآن الحکیم ❁ انک

ای قرآن دانشمند پر حکمت بدرستیکه تو

لمن المرسلین ❁ علی صراط مستقیم

هر آینه از مرسلانی بر راه راست

تنزیل العزیز الرحیم ❁ لتنذر قوما

فرو فرستادن خدای غزیز رحیم تا بیم کنی گروهی را

ما انذر آباؤهم فهم غافلون ❁

آنچه بیم داده نشده پدران ایشان پس ایشان غافلانند

لقد حق القول علی اکثرهم

بتحقیق ثابت شده سخن بر اکثر ایشان

فهم لا یؤمنون ❁ انا جعلنا فی

پس ایشان ایمان نمی آرند بدرستیکه ما گردانیده ایم در

اعناقهم اغلالا فهی الی الا

گردنهای ایشان غلها پس آن تا

ذقان فهم مقمحون ❁ وجعلنا من

زنخهاست پس ایشان و گردانیده ایم

بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
از میان دستهاشان بندی و از پس سرشان بندی

فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ • وَسَوَاءٌ
پس فرو پوشانیدیم چشمهاشان را پس ایشان نمی بینند و یکسانست

عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا
برایشان خواه بیم دادی یا نی خواه بیم ندهی ایشان را

يُؤْمِنُونَ • إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ
ایمان نمی آرند • جز این نیست و بیم دهی کسی را که پیروی کند ذکر را

وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
و بترسد از خدای بخشنده در نهان پس بشارت ده او را به آمرزش

وَأَجْرٍ كَرِيمٍ • إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ
و مزدش خوب بدرستیکه ما زنده میکنیم مرده را و می نویسیم

مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ
آنچه پیش فرستادند و اثرهاشان را و همه چیز

أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ • وَاضْرِبْ
ضبط کرده ایم او را در امام پیدا کننده و بزن

لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ
برای ایشان مثلی اصحاب قریه هنگامیکه

جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ • إِذْ أَرْسَلْنَا
آمد ایشان را فرستادگان وقتی که فرستادیم

إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا
بسوی ایشان دو کس پس تکذیب نمودند دو را پس قوی کردیم

بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ •
بثالث پس گفتند بدرستیکه ما بسوی شما فرستادگانیم

قالوا ما انتم الا بشر مثلنا وما انزل
گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نفرستاد
الرحمن من شیء ان انتم الا تکذبون ۞
خدای بخشنده هیچ چیز نیستید شما مگر دروغ گویان
قالوا ربنا یعلم انا الیکم لمرسلون ۞
گفتند پروردگار ما میداند که بسوی شما ایم مرسلان
وما علینا الا البلاغ المبین ۞
و نیست بر ما جز رسانیدن آشکار
قالوا انا تطیرنا بکم لئن لم تنتهوا
گفتند بدرستیکه ما فال بد گرفتیم بشما اگر باز نایستادید
لنرجمنکم ولیمسنکم منا عذاب الیم ۞
سنگسار میکنیم شما را و هر آینه میرسد شما را از ما عذاب دردناک

قالوا طائرکم معکم ائن ذکرتم
گفتند فال بد شما با شماست بلکه
بل انتم قوم مسرفون ۞ وجاء من
شما اید گروهی از حد گذشتگان و آمد از
اقصی المدینة رجل یسعی قال
دورترین جای آن شهر مردی که میشتافت گفت
یا قوم اتبعوا المرسلین ۞ اتبعوا
ای گروه پیروی کنید مرسلان را پیروی کنید
من لا یسئلکم اجرا وهم مهتدون
آنکس را که نمیخواهد از شما مزدی و ایشانند راه یافتگان
وما لی لا اعبد الذی فطرنی
و چیست مرا که نپرستم آنکه بیافرید مرا

وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ ءَاَتَّخِذُ مِنْ دُونِهٖ

و بسوی او رجوع کرده میشوند آیا بگیرم از غیر او

اٰلِهَةً اِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ

الهه ها که اگر خواهد مرا خدای بخشاینده بضرری کفایت نکند

عَنِّى شَفَاعَتُهُمْ شَيْـًٔا وَلَا يُنْقِذُونِ

از من خواهش ایشان چیزرا و نه رهانیده مرا

اِنِّىٓ اِذًا لَفِى ضَلٰلٍ مُبِينٍ ۝ اِنِّىٓ

بدرستیکه من در گمراهی آشکار هر آینه من

اٰمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ۝ قِيلَ ادْخُلِ

ایمان آوردم بپرورده گار شما پس بشنوید از من گفته شد که درآ

الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِى يَعْلَمُونَ

جنت را گفت ای کاش قوم من آگاهی میافتند

بِمَا غَفَرَ لِى رَبِّى وَجَعَلَنِى مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۝

بآنکه آمرزید مرا پرورده گار من و گردانید مرا از گرامی داشتگان

وَمَآ اَنْزَلْنَا عَلٰى قَوْمِهٖ مِنْ بَعْدِهٖ

و فرو نفرستادیم بر قومش از بعد او

مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ۝

هیچ سپاه از آسمان و نبودیم ما فرو فرستادگان

اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَاِذَا هُمْ

نبود جز نعره یکی پس ناگهان ایشان

خَامِدُونَ ۝ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ

فسرده گان ای دریغ بر بندگان

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا كَانُوا بِهٖ

نیامد ایشان را هیچ رسولی جز که بودند باو

يستهزءون ۞ الم يروا كم اهلكنا قبلهم

استهزا میکنند آیا ندیده‌اند که بسیار هلاک کردانیدیم

من القرون انهم اليهم لا يرجعون ۞

پیش ازیشان از قرنها که ایشان بسوی ایشان بر نمیگردند

وان كل لما جميع لدينا محضرون ۞

نیستند همه مگر جمع کرده شده نزد ما حاضر کردانیدگان

وآية لهم الارض الميتة احييناها

و علامتیست ایشان را زمین مرده که زنده کردیم آن را

واخرجنا منها حبا فمنه يأكلون ۞

و بیرون آوردیم ازان دانه پس ازان میخورند

وجعلنا فيها جنات من نخيل

و کردانیدیم در آن بهشتها از خرما

واعناب

واعناب وفجرنا فيها من العيون ۞

و انگورها کشاده در آن از چشمها

لياكلوا من ثمره وما عملته ايديهم

تا بخورند از ثمرش و آنچه نساخت آن را دستهاشان

افلا يشكرون ۞ سبحان الذي

پس چرا شکر نمیکنند دانم پاک آن کسی که

خلق الازواج كلها مما تنبت الارض

آفرید اصناف را همه از آنچه میرویاند زمین

ومن انفسهم ومما لا يعلمون ۞

و از خودهاشان و از آنچه نمیدانستند

وآية لهم الليل نسلخ منه النهار

و نشانیست مرایشان را شب که برکشیم ازان روز را

فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ ۞ وَالشَّمْسُ تَجْرِي

پس ایشانند در تاریکی و آفتاب سیر میکند

لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

برای جای قراری که مراد است قرارداد خدای عزیز

الْعَلِيمِ ۞ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ

علیم و ماه را مقرر داشتیم منازلها

حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۞ لَا

تا باز گشت شاخه خرمای کهنه نه

الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ

آفتاب میسزد مر اورا که دریابد ماه را

وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي

و نه شب پیش از روز است و هر یک در

فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۞ وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ

فلکی تسبیح میگویند و نشانیست مر ایشان را که ما برداشتیم فرزندان ایشان را

فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۞ وَخَلَقْنَا لَهُم

در کشتی پر کرده شده و آفریدیم برای ایشان

مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ۞ وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ

از مثل آنچه سوار میشوند و اگر خواهیم غرق

فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ ۞

پس نیست صریخ مر ایشان را و نه ایشان خلاص کرده شوند

إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۞

مگر رحمتی از ما و تمتعی

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ

و چون گفته شود مر ایشان را بپرهیزید از آنچه میان دستهای شماست

وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۞ وَمَا

تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا

عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۞ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ

أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ

كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ

يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

مُبِينٍ ۞ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۞ مَا يَنْظُرُونَ

إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ

يَخِصِّمُونَ ۞ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً

وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ۞ وَنُفِخَ فِي

الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ

رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ۝ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا

بپروردگارشان میشتابند گفتند وای بر ما که برانگیخت ما را

مِنْ مَرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ

از خوابگاه ما این است آنچه وعده داده خدای بخشاینده

وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۝ إِنْ كَانَتْ

و راست گفتند رسولان نباشد

إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا

جز فریاد یکی پس ناگهان ایشان جمع کرده شده

مُحْضَرُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ

نزد ما حاضر کرده شدگان پس امروز ظلم کرده نشود نفسی

شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝

هیچ چیز و جزا داده نشوید مگر آنچه هستید که میکنید

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ

بدرستیکه اهل بهشت امروز در کار

فَاكِهُونَ ۝ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ

شادی کنان ایشان و جفتهاشان در سایها

عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ۝ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ

بر سریرها تکیه زده گان مر ایشان راست در آنجا میوه

وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ

و مر ایشان راست آنچه خواهش میکنند سلام گفتنی از

رَبٍّ رَحِيمٍ ۝ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا

پروردگار مهربان و جدا شوید امروز ای

الْمُجْرِمُونَ ۝ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي

گناهکاران آیا فرمان نفرستادم بسوی شما ای فرزندان

آدم ان لا تعبدوا الشيطان انه

آدم اینکه مپرستید شیطان را بدرستیکه او

لكم عدو مبين ۝ وان اعبدوني

برشما دشمنیست آشکار و بپرستید مرا

هذا صراط مستقيم ۝ ولقد اضل

اینست راه راست و بتحقیق گمراه کرد

منكم جبلا كثيرا ۝ افلم تكونوا تعقلو

از شما خلقی بسیار ایا پس نبودید که دریابید بعقل

هذه جهنم التي كنتم توعدون ۝

اینست دوزخ که بودید وعده کرده شده

اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون ۝

بچشید حرارتش امروز بانچه بودید کفر ورزیدید

اليوم نختم على افواههم وتكلمنا

امروز مهر کنیم بر دهنهاشان و سخن میکنند با ما

ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا

دستهاشان و گواهی دهند پاهاشان بانچه بودند

يكسبون ۝ ولو نشاء لطمسنا على

که کسب میکنند و اگر میخواستیم هر آینه محو کردیم بر

اعينهم فاستبقوا الصراط فانى

چشمهاشان پس پیشی گرفتند بسوی راه پس کجا

يبصرون ۝ ولو نشاء لمسخناهم على

ببینند و اگر میخواستیم هر آینه مسخ کردیم بر

مكانتهم فما استطاعوا مضيا

جایهاشان پس نتوانستندی رفتن

ولا يرجعون ۝ ومن نعمره ننكسه

ونه بر میگشتند کسی را که عمر دراز دهیمش

في الخلق افلا يعقلون ۝ وما علمناه

در خلق آیا در نمی یابند بعقل ونیاموختیم او را

الشعر وما ينبغي له ان هو الا ذكر

شعر سزاوار نیست بر او نیست آن مگر پندی

وقران مبين ۝ لينذر من كان حيا

وقرآن واضح تا بترساند کسی را که باشد زنده

ويحق القول على الكافرين ۝ اولم

و ثابت شود حجت بر کافران آیا

يروا انا خلقنا لهم مما عملت ايدينا

ندیدند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخت دستهای

انعاما فهم لها مالكون ۝ وذللناها

چهارپایان پس ایشان آنها را مالکانند ورام گردانیدیم

لهم فمنها ركوبهم ومنها ياكلون ۝

برای ایشان پس از آنهاست سواری ایشان و از آنها میخورند

ولهم فيها منافع ومشارب افلا

ومر ایشان را است در آنها منفعتها و آشامیدنیها آیا پس

يشكرون ۝ واتخذوا من دون الله

شکر نمیکنند و گرفتند از جز خدا

الهة لعلهم ينصرون ۝ لا يستطيعون

الهها باشد که ایشان یاری کرده شوند نتوانند

نصرهم وهم لهم جند محضرون ۝

یاری کردن ایشان را و ایشان آنها را سپاهی اند حاضر کرده شدگان

فلا يحزنك قولهم انا نعلم ما يسرون

پس نباید اندوهگین سازد ترا سخن ایشان ما میدانیم آنچه را مخفی میدارند

وما يعلنون ٭ اولم ير الانسان انا

و آنچه ظاهر میکنند آیا ندیده انسان بدرستیکه ما

خلقناه من نطفة فاذا هو خصيم

آفریدیم اورا از نطفه پس آنگاه او است خصومت کننده

مبين ٭ وضرب لنا مثلا ونسي

آشکار زد برای ما مثلی و فراموش کرد

خلقه قال من يحيي العظام وهي

آفرینش را گفت که زنده میکند استخوانها را و آنها

رميم ٭ قل يحييها الذي انشاها اول

پوسیده بگو زنده میکند آنها را که آفرید آنها را نخستین

مرة

مرة وهو بكل خلق عليم ٭ الذي

بار و اوست بهمه خلق دانا که

جعل لكم من الشجر الاخضر نارا

گردانید برای شما از درخت سبز آتش

فاذا انتم منه توقدون ٭ اوليس

پس آنگاه شما از آن بر میافروزید آیا نیست

الذي خلق السموات والارض بقادر

که آفرید آسمانها و زمین را قادر

على ان يخلق مثلهم بلى وهو الخلاق

بر آنکه آفریند مثل ایشان را آری و اوست آفریننده

العليم ٭ انما امره اذا اراد شيئا

دانا جز این نیست امرش چون خواهد چیزی را

أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۞ فَسُبْحَانَ

اینکه بگوید مر او را که بشو پس میشود پس پاک است آنکه

الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ

آنکه بدست اوست پادشاهی همه چیز

دُعا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۞ عدیله

و بسوی او برگردانیده میشوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ

گواهی داده است خدا که نیست خدا مگر او و ملائکه

وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ

و اولوالعلم قائم نیست خدا

إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ

مگر او و غالب و حکیم است بدرستیکه دین

عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَأَنَا الْعَبْدُ

در نزد خدا اسلام است و من بنده

الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ الْعَاصِي الْحَقِيرُ

ناتوان گنهکار بیمقدار

الْمُحْتَاجُ الْفَقِيرُ أَشْهَدُ لِمُنْعِمِي

محتاج درویش شهادت میدهم برای نعمت دهنده

وَخَالِقِي وَرَازِقِي وَمُكْرِمِي كَمَا

و آفریننده و روزی دهنده و گرامی دارنده همچنانکه

شَهِدَ لِذَاتِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ

گواهی داد برای ذات خودش و گواهی داده اند مر او را ملائکه

وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ بِاَنَّهُ لَا اِلٰهَ
و صاحبان علم از بندگان خود بینکه نیست خدا
اِلَّا هُوَ ذُو النِّعَمِ وَالْاِحْسَانِ وَ
مگر او صاحب نعمتها و احسان و
الْكَرَمِ وَالْاِمْتِنَانِ قَادِرٌ اَزَلِيٌّ عَالِمٌ
کرم و صاحب توانا است بازلیت
اَبَدِيٌّ حَيٌّ اَحَدِيٌّ مَوْجُودٌ سَرْمَدِيٌّ
همیشگی است زنده است یگانه است صاحب وجود است باداء
سَمِيعٌ بَصِيرٌ مُرِيدٌ كَارِهٌ مُدْرِكٌ صَمَدِيٌّ
شنوا است بینا است اراده کننده است ناخوش دارنده ادراک کننده
يَسْتَحِقُّ هٰذِهِ الصِّفَاتِ وَهُوَ عَلٰى مَا هُوَ
لائق است این صفتها را و او بر آنچه او

عَلَيْهِ فِي عِزِّ صِفَاتِهِ كَانَ قَوِيًّا قَبْلَ
بر آن است در عزت صفتهای خود بود قوی پیش از
وُجُودِ الْقُدْرَةِ وَالْقُوَّةِ وَكَانَ
هستی قدرت و توانائی و بود
عَلِيمًا قَبْلَ اِيجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ
دانا پیش از ایجاد دانائی و علت
لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا اِذْ لَا مَمْلَكَةَ وَلَا
همیشه بود پادشاه وقتیکه مملکت نبود و نه
مَالَ وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلٰى جَمِيعِ الْاَ
مال همیشه بود منزه بر همه
حْوَالِ وُجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي
حالها هستی او پیش از پیش در

أزلُ الآزالِ وبقاؤُهُ بعدُ

ازلها و ماندن او بعدها

البعدِ من غيرِ انتقالٍ ولا زوالٍ

بعد است بی‌حرکت نقل و بی زوال

غنيٌّ في الأوّلِ والآخرِ مستغنٍ

توانگر است در اول و آخر و بی‌نیاز است

في الباطنِ والظاهرِ لا جورَ في

در باطن و ظاهر نیست ظلم در

قضيّتِهِ ولا ميلَ في مشيّتِهِ ولا

حکم او و نیست میل در خواهش او و

مهربَ من حكومتِهِ ولا ملجأَ من

نیست گریز از حکومت او و نیست پناهی از

سطواتِهِ ولا منجا من نقماتِهِ سبقت

از سطوتهای او و نیست رهایی از عقوبتهای او پیش گرفت

رحمتُهُ غضبَهُ ولا يفوتُهُ أحدٌ

رحمت او بغضب او و فوت نمیکند او را احدی

إذا طلبَهُ أزاحَ العللَ في

وقتیکه بطلبد او را زایل کرده است علتها را در

التكليفِ وسوّى التوفيقَ بين

تکلیف و برابر کرده است توفیق را میان

الضعيفِ والشريفِ مكّنَ أداءَ المأمورِ

ضعیف و شریف و ممکن ساخته است بادا کردن

وسهّلَ سبيلَ اجتنابِ المحظورِ لم

و آسان کرده است راه پرهیز کردن از منهیات

يكلف الطاعة الا دون الوسع والطاقة

تكليف نمى كند طاعت را الا كمتر از وسعت و طاقت

سبحانه ما ابين كرمه واعلى شأنه سبحانه

منزه است او چه واضح است كرم او و بزرگ است شأن او منزه است

ما اجل نيله واعظم احسانه بعث الا

چه بزرگ است عطاى او و چه بزرگ است احسان او فرستاد

نبياء ليبين عدله ونصب الاوصياء

انبيا را تا آشكار كند عدالت خود را و نصب كرد اوصيا را

ليظهر طوله وفضله وجعلنا من امة

تا اظهار كند احسان خود را و فضل خود را و گردانيد ما را از امت

سيد الانبياء وخير الاولياء وافضل

آقاى پيغمبران و بهترين صاحب اختياران و

الاصفياء واعلى الازكياء محمد صلى الله

فضل صفوه را و برترين پاكيزها كه محمد است

عليه وآله امنا به وبما دعانا اليه

بر او و اولاد او ايمان آورديم باو و بآنچه دعوت كرده ما را باو

وبالقرآن الذي انزله عليه وبوصيه

و بقرآنى كه فرستاده آن را بر او و بوصى او

الذي نصبه يوم الغدير واشار بقوله

كه نصب كرد او را در روز غدير خم و اشاره كرد

هذا علي وليه واشهد ان الائمة

كه اين است على ولى او و گواهى ميدهم اينكه امامان

الابرار والخلفاء الاخيار بعده

نيكوكار و خلفاى بهتر از خلق اند بعد از او

اَلرَّسُوْلِ الْمُخْتَارِ عَلِيٌّ قَامِعُ الْكُفَّارِ

پیغمبر برگزیده حضرت علی است قمع کننده کفار

وَمِنْ بَعْدِهِ سَيِّدُ اَوْلَادِهِ الْحَسَنُ

و از بعد او آقای فرزندان او امام حسن

عَلِيٌّ ثُمَّ اَخُوْهُ السِّبْطُ التَّابِعُ لِمَرْضَاتِ

بن علی بعد از آن برادر او نواسه پیروی کننده

اللّٰهِ الْحُسَيْنُ ثُمَّ الْعَابِدُ عَلِيٌّ ثُمَّ الْبَاقِرُ

خوشنودی خدا حسین بعد از آن امام زین العابدین بعد از آن باقر

مُحَمَّدٌ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرٌ ثُمَّ الْكَاظِمُ

که محمد است پس حضرت صادق که جعفر است پس حضرت کاظم

مُوْسٰى ثُمَّ الرِّضَا عَلِيٌّ ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدٌ

که موسی است پس امام رضا که علی است پس حضرت تقی که محمد است

ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيٌّ ثُمَّ الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ الْحَسَنُ

پس حضرت نقی که علی است پس حضرت زکی عسکری که حسن است

ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلَفُ الصَّالِحُ الْقَائِمُ

پس حجت خلف صالح قیام کننده

الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِيْ بِبَقَائِهِ

انتظار کشیده شده که حضرت مهدی است امید داشته شده که به بقای او

بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِيُمْنِهِ رُزِقَ الْوَرٰى

باقیست دنیا و به یمن او روزی داده شدند مخلوقات

وَبِوُجُوْدِهِ ثَبَتَتِ الْاَرْضُ وَالسَّمَاءُ بِهِ

و به وجود او ثابت شده زمین و آسمان به او

يَمْلَاُ اللّٰهُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا

پر کند خدا زمین را از قسط و عدل

بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً وَاَشْهَدُ

بعد از آنکه پر شده باشد از ظلم و جور و گواهی میدهم

اَنَّ اَقْوَالَهُمْ حُجَّةٌ وَاِمْتِثَالَهُمْ فَرِيضَةٌ

بدرستیکه قولهای ایشان حجت است و فرمان بردن ایشان واجب است

وَطَاعَتَهُمْ مَفْرُوضَةٌ وَمَوَدَّتَهُمْ لَازِمَةٌ

و اطاعت ایشان واجب کرده شده و دوستی ایشان لازم است

مَقْضِيَّةٌ وَالْاِقْتِدَاءَ بِهِمْ مُنْجِيَةٌ

و پیروی کردن ایشان نجات دهنده است

وَمُخَالَفَتَهُمْ مُرْدِيَةٌ وَهُمْ سَادَاتُ اَهْلِ

و مخالفت کردن ایشان هلاک کننده است و ایشان آقایان اهل

الْجَنَّةِ اَجْمَعِينَ وَشُفَعَاءُ يَوْمِ الدِّينِ

بهشت همگی و شفیعان روز جزا

وائمة

وَاَئِمَّةُ اَهْلِ الْاَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ

و پیشوایان اهل زمین بیقین

وَاَفْضَلُ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ

و بهترین وصی ها پسندیده

وَاَشْهَدُ اَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَالْقَبْرَ حَقٌّ

و گواهی میدهم بدرستیکه مرگ حقست و قبر حق است

وَمَسْئَلَةَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ

و پرسیدن منکر و نکیر در قبر حقست

وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ

و زنده شدن حق است و محشور شدن حق است

وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْكِتَابَ حَقٌّ

و صراط حق است و میزان حقست و نامه اعمال

والجنة حق والنار حق وان الساعة

وبهشت حق است ودوزخ حق است وبدرستیکه قیامت

آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في

آینده است شکی نیست در آن وبدرستیکه خدا زنده میکند کسانی را

القبور اللهم فضلك رجائي و

که در قبرند ای خدای من فضل تو امید من است

كرمك ورحمتك املي لا عمل لي استحق

کرم تو ورحمت تو آرزوی منست نیست عملی مرا که مستحق

به الجنة ولا طاعة لي استوجب بها

شوم بآن بهشت را ونیست طاعتی مرا که لایق شوم بآن

الرضوان الا انى اعتقدت توحيدك

بخشش ترا مگر آنکه من بدرستیکه اعتقاد داشته ام توحید ترا

وعدلك وارتجيت احسانك وفضلك

وعدالت ترا وامید داشته ام احسان ترا وفضل ترا

وتشفعت اليك بالنبي وآله واوصيائه

وشفیع کرده ام بسوی تو پیغمبر را وآل او ووصیهای او

من احبتك وانت اكرم الاكرمين

از دوستان تو وتو کریمترین کریمانی

وارحم الراحمين وصلى الله على

ورحم کننده ترین رحم کنندگانی ودرود فرستد خدا بر

سيدنا ونبينا محمد وآله اجمعين

سید ما وپیغمبر ما محمد وآل او همه

الطيبين الطاهرين وسلم تسليما

که پاکیزه گانند وپاکانند وسلام فرستد سلام

كثيراً ولا حول ولا قوة الا بالله

بسيار و نيست حول و نه قوة مگر بخداى

العلي العظيم اللهم يا ارحم

بلند بزرگ بار پروردگارا اى رحم كننده

الراحمين اني اودعتك يقيني هذا

رحم كنندگان كه من امانت گذاشتم نزد تو يقين را كه اين است

وثبات ديني وانت خير مستودع

و ثبات دين خود را و تو بهترين وديعت گذاشته شده

وقد امرتنا بحفظ الودايع فرده

و بتحقيق امر كرده ما را نگاه داشتن امانتها پس رد كن آنرا

على وقت حضور موتي وعند

بر من وقت حاضر شدن مرگ من و نزد تو

مسئلة

مسئلة منكر ونكير بمحمد واله

سؤال كردن منكر و نكير بحق محمد و آل او

الطيبين الطاهرين برحمتك

پاكيزه و پاكيزه كننده برحمت خود

يا ارحم الراحمين ٥

اى رحم كننده ترين رحم كنندگان

دعاء صباح صغير

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

اللهم اجعل صباحنا صباح

پروردگارا بگردان صبح ما را صبح

الأبرار ولا تجعل صباحنا صباح
ابرار و مگردان صباح ما صباح

الأشرار اللهم اجعل صباحنا
اشرار پروردگارا بگردان صباح ما

صباح الخير والسعادة ولا تجعل
صباح خیر و سعادت و مگردان

صباحنا صباح الشر والشقاوة
صباح ما صباح شر و شقاوه

اللهم اجعل صباحنا صباح
پروردگارا بگردان صباح ما را صباح

الصالحين ولا تجعل صباحنا
صالحان و مگردان صباح

صباح الطالحين اللهم اجعل
صباح بدکاران پروردگارا بگردان

صباحنا صباح المصلحين ولا
صباح ما صباح صلح کنندگان و

تجعل صباحنا صباح المفسدين
مگردان صباح ما صباح فساد کنندگان

اللهم اجعل صباحنا صباح المقبولين
پروردگارا بگردان صباح ما صباح قبول شدگان

ولا تجعل صباحنا صباح المردودين
و مگردان صباح ما صباح رانده شدگان

اللهم انا نعوذ بك من شر الصباح
پروردگارا بدرستیکه ما پناه میبریم بتو از شر صباح

وَمِنْ شَرِّ الْمَسَآءِ وَمِنْ شَرِّ الْقَضَآءِ وَمِنْ

واز شر شام واز شر قضا واز

شَرِّ الْقَدَرِ وَمِنْ شَرِّ السَّفَرِ وَمِنْ

شر قدر واز شر سفر واز

شَرِّ الْحَضَرِ وَمِنْ شَرِّ مَا جَرٰى بِهِ الْقَلَمُ

شر حضر واز شر آنچه جاری گشته بآن قلم

اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ

پروردگارا ای خالق لوح و قلم

وَيَا جَاعِلَ النُّوْرِ وَالظُّلَمِ اِرْحَمْ

وای گرداننده نور و تاریکی رحم کن

عَلَيْنَا بِحُرْمَةِ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ

بر ما بحرمت بزرگ عرب و عجم

اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ دُعَآئَنَا وَاشْفِ مَرْضَانَا

پروردگارا مستجاب کن دعای ما را وشفا ده مریضان ما را

وَارْحَمْ مَوْتَانَا وَعَافِ اَحْيَانَا

ورحم کن مردگان ما را وسلامتی ده زندگان ما را

وَسَلِّمْ دِيْنَنَا وَدُنْيَانَا وَثَبِّتْ اَقْدَامَنَا

وسلامت دار دین ما را ودنیای ما را وثابت کن قدمهای ما را

وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ

ویاری ده ما را بر قوم کافران

زیارت مفجعه جناب صاحب الامر حضرت سید الشهدا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ
سلام برتو باد ای پدر عبد الله

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ
سلام برتو باد ای فرزند پیغمبر خدا

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ
سلام برتو باد ای فرزند امیر مؤمنان

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ
سلام برتو باد ای فرزند فاطمه زهرا

سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
که آقای زنان عالمین است سلام برتو باد

يا اَخَا الْحَسَنِ الرِّضا اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
ای برادر حسن رضا سلام برتو باد

یا ابا

يا اَبَا الْاَئِمَّةِ الْمَعْصُومينَ الْهُداةِ
ای پدر ائمه که معصوم اند و راه نمایندگان

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ وَرَحْمَةُ
سلام برتو باد و برایشان باد همگی و رحمت

اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
خدا سلام برتو باد

يا صاحِبَ الْمُصيبَةِ الرّاتِبَةِ ۝
ای صاحب مصیبت راتب

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَريعَ الدَّمْعَةِ
سلام برتو باد ای افتاده اشک چشم

السّاكِبَةِ الْمَفْجُوعِ الْحَزينِ الْمَذْبُوحِ
که ریزان است و مفجوع حزین و سر بریده

الطَّعِينِ وَ الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ وَ مُعَفَّرِ

نیزه زده شده و رگ گردن بریده و بر روی خاک

الْخَدَّيْنِ وَ مَجْرُوحِ الْوَدَجَيْنِ وَ دَامِي

آلوده و رگ گردن زخم شده و خونین شده

الْوَرِيدَيْنِ وَ بَاكِي الْعَيْنَيْنِ الْمَقْتُولِ

رگهای گردن خون جاری شده و دو چشمها گریان

يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ رَيْحَانَةِ رَسُولِ اللهِ

در روز دوشنبه ریحانه رسول خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَبَا عَبْدِ اللهِ

درود خدا بر او و آل او ابا عبد الله

الْحُسَيْنِ ۲۴ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ

الحسین سلام بر تو باد ای کشته

الظماء

الظَّمَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ الْغُرَبَاءِ

تشنه سلام بر تو ای غریب غریبان

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَسِيرَ الْكُرَبَاءِ وَ

سلام بر تو ای گرفتار مصیبتها

مَسْلُوبَ الرِّدَاءِ وَ الْمَذْبُوحَ مِنَ

لباس غارت شده و سرش بریده از

الْقَفَاءِ وَ مَسْبِيَّ النِّسَاءِ وَ مَحْرُوقَ

قفا زنانش برهنه شده و خیمه‌هایش

الْخِبَاءِ وَ الْمُخَضَّبَ بِالدِّمَاءِ وَاحُزْنَاهُ

سوخته شده رنگین بخون آلوده وای اندوه

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ وَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ

بر تو ای پسر رسول خدا و ای پسر محمد

المُصطفی واَسفاهُ علیک یا بنَ علیٍّ

مصطفی وای بر غصه من بر تو ای پسر علی

المرتضی والهفاهُ علیک یا بنَ

مرتضی وای درد من بر تو ای پسر

فاطمةَ الزهراءِ وابنَ خدیجةَ الکبری

فاطمه زهرا و پسر خدیجه کبرا

واَخا الحسنِ الرضا واَبا الائمةِ

و برادر حسن پسندیده و پدر ائمه

الهدی السلامُ علیک یا اَبا عبدِ الله

هدی سلام بر تو الا ابا عبد الله

السلامُ علیک یا مصباحَ الدجی

سلام بر تو ای چراغ شب تاریک

والرجا

والرجا المرتجی السلامُ علیک یا حبیبَ

و امید امید گرفته شده سلام بر تو ای حبیب

الرحمنِ ویا شریکَ القرآنِ ویا صاحبَ

رحمن وای شریک قرآن وای صاحب

المصائبِ والاحزانِ السلامُ

مصیبتها و غمها سلام

علیک یا من نحرُهُ منحورٌ وصدرُهُ

بر تو ای آنکه گلوی او را بریدند و سینه او را

مکسورٌ ورأسُهُ علی القناةِ

شکستند و سر او بالای نیزه

مشهورٌ السلامُ علیک یا من

مشهور است سلام بر تو ای آنکه

بَكَتْ لَهُ السَّمَاءُ بِالدِّمَاءِ السَّلَامُ
گریست برای او آسمان بخون سلام

عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ الظَّمَاءِ السَّلَامُ
بر تو ای کشته تشنه سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ جِسْمُهُ غَرِيقٌ بِالدِّمَاءِ
بر تو ای آنکه جسم او غرقه بخون بود

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ لَقِيَ اِلَى قَوْمٍ
سلام بر تو ای آنکه رسید بقوم

حُجَّتَهُ فَأَنْكَرُوهَا وَنَقَضُوا بَيْعَتَهُ
حجت خود را پس انکار کردند شکستند بیعت او را

وَخَانُوا رَسُولَ اللهِ فِي وَصِيَّتِهِ
و خیانت کردند بوصیت رسول خدا صلی الله علیه وآله

وَخَانُوا عَلَيْهِ وَعَلَى عِتْرَتِهِ وَقَتَلُوا أَخَاهُ
و خیانت کردند براو و بر اولاد او و کشتند برادر او را

وَزَوْجَ ابْنَتِهِ وَذَبَحُوا سِبْطَهُ وَابْنَ
و شوهر دختر او را و ذبح کردند فرزند او را و پسر

كَرِيمَتِهِ وَقَتَلُوهُ عَطْشَانًا بِغُصَّتِهِ وَحَرَقُوا
کریمه او را و کشتند او را تشنه با غصه و سوزاندند

خِبَاءَهُ وَهَتَكُوا حُرْمَتَهُ وَسَلَبُوا بَنَاتَهُ وَنِسَاءَهُ وَأَخَذُوا
خیمه او را و هتک حرمتش کردند و برهنه کردند دختران و زنان او را

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ وَيَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ
بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند محمد مصطفی سلام

وَا أَسَفَا عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى
وای حسرتا بر تو ای فرزند علی مرتضی

وَوا لَهفاهُ عَلَيكَ يَا بنَ فاطِمَةَ
وای برحزن من بر تو ای فرزند فاطمه

الزَّهرآءِ وَابنَ خَديجَةَ الكُبرىٰ
زهرا و پسر خدیجه کبری

وَاَخَا الحَسَنِ الرِّضا وَاَبَا الاَئِمَّةِ
و برادر حسن پسندیده و پدر ائمه

الهُدىٰ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مَن دُ
هدی علیهم السلام سلام بر تو ای آنکه نبود

غُسلُهُ وَشَيبُهُ قُطنُهُ وَالتُّرابُ
غسل او بود رنگ محاسن او پنبه او و خاک

كافُورُهُ وَنَسجُ الرِّياحِ اَكفانُهُ
کافور او و بافته بادها کفن او است

وَالقَناةُ الخَطِّىُّ نَعشُهُ وَفى قُلوبِ
نیزه خطی جنازه او بود و در دلهای

مَن والاهُ قَبرُهُ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا غَريبَ
دوستان او قبر او است سلام بر تو ای غریب از

الاَوطانِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا سَليبَ
وطنها سلام بر تو ای برهنه

العُريانِ وَالذَّبيحَ العَطشانِ
عریان و ذبیح عطشان

وَصاحِبَ المَصائِبِ وَالاَحزانِ
و صاحب مصیبتها و حزنها

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا مِنَ الاَئِمَّةِ مِن
سلام بر تو ای آنکه از ائمه از

ذُرِّيَّتِهِ وَاِجابَةُ الدُّعآءِ تَحْتَ قُبَّتِهِ

از اولاد او است و اجابت الدعا در تحت قبه او

وَالشِّفآءُ فى تُرْبَتِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ

و شفا در تربت او است سلام بر تو

يا مَنْ شَرَّفَهُ اللهُ بِشَهادَتِهِ السَّلامُ

ای آنکه شرف داده است او را خدا بشهادت او سلام

عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ وَرَيْحانَتَهُ

بر تو باد ای فرزند رسول خدا و ریحانه او

وَابْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَذُرِّيَّتَهُ

و پسر امیر المؤمنین و ذریه او

يا مَنْ هُوَ مُهْجَةُ الزَّهْرآءِ وَبَهْجَتُها

ای آنکه قلب زهرا و سرور دل او است

ويا اخا

وَيا اَخَا الْحَسَنِ الرِّضا وَخَليفَتَهُ

و ای برادر حسن برگزیده و خلیفه او

وَيا آيَةَ اللهِ الْعُظْمى وَحُجَّتَهُ يا مَنْ

و ای آیه خدا بزرگ و حجت او ای آنکه

قَتَلُوهُ عَبيدُهُ وَرَعِيَّتُهُ وَاحُزْناهُ

کشتند او را غلامان او و رعیت او وای محزونا

عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ وَيَابْنَ مُحَمَّدٍ

بر تو ای پسر رسول خدا و ای پسر محمد

الْمُصْطَفى وا اَسَفاهُ عَلَيْكَ يَابْنَ

مصطفی و ای بر تاسف من بر تو ای پسر

عَلِيٍّ الْمُرْتَضى وا لَهْفاهُ عَلَيْكَ

علی مرتضی و ای برادر اندوه من بر تو

يا ابن فاطمة الزهراء وابن خديجة

اى پسر فاطمه زهرا و پسر خديجه

الكبرى واخا الحسن الرضا وابا

كبرى برادر حسن رضا پدر

الائمة الهدى السلام عليك

ائمه هدى سلام بر تو

يا من شيبه بدمه خضيب وخده

اى كسى كه محاسن او بخون خود خضاب بود و رخسارش

تريب ورحله نهيب وفي كربلاء

خاك آلود اسباب او غارت شده و در كربلا

شهيد غريب السلام عليك يا ابا

شهيد غريب بود سلام بر تو باد اى پدر

عبد الله وعلى الدماء السائلات

عبد الله و بر خونهاى جارى

وعلى النحور المنحورات وعلى الشعور

و بر گلوهاى نحر شده و بر موهاى

المنشورات وعلى الرؤوس المرفوعات

پريشان و بر سرهاى بلند شده

وعلى الخدود المهشمات وعلى

و بر روهاى شكسته و بر

الاعضاء المقطعات وعلى

اعضاى قطع شده و بر

الاجساد المجرحات وعلى الصدور

بدنهاى زخم شده و بر سينه‌هاى

المحطّمات وعلى الشّيبات المخضّبات

شکسته بر الشیبهای خضاب شده

وعلى النّفوس المقدّسات وعلى

بر نفسهای مقدس بر

الأرواح المختلسات وعلى الأبدان

روحهای ربوده شده بر بدنهای

المنعّمات واحزناه عليك يابن

نرم وای بر حزن من بر تو ای پسر

رسول الله ويابن محمّد المصطفى

رسول خدا و پسر محمد مصطفی

واأسفاه عليك يابن علي المرتضى

وای بر تاسف من بر تو ای پسر علی مرتضی

ووالهفاه عليك يابن فاطمة

وای بر حسرت من بر تو ای پسر فاطمه

الزّهراء وابن خديجة الكبرى

زهرا و پسر خدیجه کبری

وأخا الحسن الرّضا وأبا الأئمّة

و برادر حسن رضا و پدر ائمه

الهدى السّلام عليك وعلى علي

هدی سلام بر تو باد و بر علی

ابن الحسين المفجوع الحزين الذّبيح

ابن الحسین که بحسرت مبتلی و محزون پاره

الطّعين السّلام عليك وعلى

پاره شده سلام بر تو باد و بر

الأنصار المجاهدين السلام عليك
یاران جهاد کننده سلام بر تو باد

يا أبا عبد الله لقد صدع لمصابك
ای ابا عبد الله تحقیق شکافت مصیبت تو

الإسلام وتعطلت الأحكام
بر اسلام و معطل شد احکام

السلام عليك يا أبا عبد الله إني
سلام بر تو باد ای ابا عبد الله بدرستیکه من

أتيتك زائرا عارفا بحقك مخصوصا
آمدم زیارت تو در حالیکه عارفم بحق تو مخصوصم

بمحبتك من قلب مقروح ودمع
بمحبت تو از دل پاره و اشک

عند ذكرك مسفوح سلام من
نزد ذکر تو ریزان سلام بر تو از

المفجوع الحزين الواله المسكين سلام
غمگین حزین حیران مسکین سلام

منه أبدا دائما سرمدا يا مولاي
از جانب کسی همیشه همیشه همیشه ای مولای من

يا أبا عبد الله يا ليتني كنت معك
ای ابا عبد الله ای کاش من بودم با تو

في الصفوف وفديتك بنفسي
در صفها و فدا کردم برای تو نفس خود را

من حر السيوف وابذل حشاشتي
از حرارت شمشیرها و بذل میکردم بقیه جان خود را

دونك واجتهد بين يديك

نزد تو وسعی کرد پیش روی تو

اشهد انك قد اقمت الصلوة

شهادت میدهم که تو برپای کردی نماز را

واتيت الزكوة وامرت بالمعروف

و دادی زکوة را و امر کردی بمعروف

ونهيت عن المنكر وجاهدت

و نهی کردی از منکر و جهاد کردی

في الله حق جهاده وكنت لله

در راه خدا حق جهاد را و بودی بخدا

طائعا ولجدك محمد المصطفى صلى

اطاعت کننده و بجد تو محمد مصطفی درود

الله عليه واله سامعا ولابيك علي

قبول کننده و بپدرت علی

المرتضى تابعا السلم عليك يا ابا عبد الله

مرتضی متابعت کننده سلام بر تو باد ای ابا عبد الله

السلم عليك يا ابن مكة ومنى السلم عليك

سلام بر تو باد ای پسر مکه و منی سلام بر تو باد

يا ابن زمزم وصفا السلم عليك

ای پسر زمزم و صفا سلام بر تو باد

وعلى زينب التقية وكلثوم المرضية

و بر زینب نقیه و کلثوم پسندیده

وعلى سكينة المسبية السلم

و بر سکینه لخت شده سلام

على فاطمة ورقية السلم على عاتقة

بر فاطمه ورقیه سلام بر عاتکه

وصفية السلام على النساء

وصفیه سلام بر زنان

المجفية السلم على البنات الهاشمية

جفا رسیده سلام بر دختران هاشمیه

السلم على السادات العلوية

سلام بر سادات علویه

السلم عليكم جميعا ورحمة الله

سلام بر شما همه رحمت خدا

وبركاته السلم عليك يا ابا عبد الله

وبرکات او سلام بر تو باد ای ابا عبد الله

نفسی

نفسي مشتاقة اليك ومهجتي محرقة

نفس من مشتاق است بر تو ودل من سوزنده است

عليك وعيني عليك باكية

بر تو وچشم من بر تو گریان است

وعبرتي عليك جارية وزفرتي عليك

واشک من برای تو جاری است وسوز دل من بر تو

ظاهرة ولهفتي عليك متتابعة

ظاهر است وافسوس من بر تو پی در پی است

ورزيتي عليك عظيمة وحزني عليك

ومصیبت من بر تو عظیم وحزن من بر تو

طويل ومصابي بك جليل

طولانی ومصیبت من بر تو بزرگ است

وا اسفا عليك مجدّداً اليك
تا سف من بر تو تازه تر است برای تو

همّتي و رجائي و عليك حزني
همت من و امید من و بر تست حزن من

و بكائي والسّلام عليكم و رحمة
و گریه من و سلام بر شما و رحمت

الله و بركاته
خدا و برکات او

تعقيب نماز صبح

بسم الله الرّحمن الرّحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ... باشد ... در نامه اعمال لا اله الا الله محمد رسول الله ... بگوید ... در تعقیب نماز صبح ...

الحمد لله الّذي اذهب اللّيل
حمد مر خدای راست که برد شب را

بقدرته و جاء بالنّهار برحمته
بقدرت خود و آورد روز را برحمت خود

خلقاً جديداً و نحن في عافية
خلقی تازه و ما در عافیتیم

بمنّه و كرمه و جوده مرحبا
بنعمت و کرم و جود او خوش آمدید

بالحافظين والنفاسكي بجانب راست خود
ای دو ملک حفظ کننده عمل

و اكتبا رحمكما الله
و نویسید رحمت کند شما را خدا

مِنْ كاتِبِينَ وَشاهِدِينَ لِيَ الثِّقاتِ

که دو کاتب   دو شاهد بشنید

سيكنى بجانب خوب دو سيكوئى اكبار رحمكم الله

بنویسید خدا رحمت کند بشما

بِسْمِ اللهِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللهُ

بنام خدا شهادت میدهم که خدائی نیست بغیر از خدا

وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ

که تنهاست شریک ندارد و شهادت میدهم

اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ

که محمد بنده و فرستاده او و شهادت میدهم

اَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها

که قیامت آمدنی است شکی نیست در آن

وأن

وَاَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

و بدرستیکه خدا مبعوث میکند اهل قبور را

عَلى ذلِكَ اَحْيى وَعَلَيْهِ اَمُوتُ

بر این عقیده زنده ام و بر آن میمیرم

وَعَلَيْهِ اُبْعَثُ اِنْ شاءَ اللهُ اقرا

و بر آن مبعوث میشوم اگر خدا بخواهد بیان

تعقیب محمد امین السّلم نماز ظهر

بر محمد مصطفی ... سلام

چون از نماز ظهر فارغ شود تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید و دعای مخصوص نماز ظهر که شیخ طوسی ره در کتاب متهجد ذکر نموده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ لَا
نیست خدا مگر خدای بزرگ بردبار

اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَرْشِ
نیست خدا مگر خدای پروردگار عرش

الْكَرِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
گرامی و سپاس مر خدای راست پروردگار عالمیان

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مُوجِبَاتِ
ای خدای من بدرستی سؤال میکنم از تو بایستهای

رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ
رحمت ترا و عزیمتهای آمرزش ترا و

الغنيمة

اَلْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ
غنیمت از هر نیکی و سلامت

مِنْ كُلِّ اِثْمٍ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا
از هر گناهی ای خدای من مگذار برای من گناهی

اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهُ
مگر آنکه بیامرزی آنرا و نه غمی مگر آنکه زایل کنی آنرا

وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا سُقْمًا
و نه غمی مگر آنکه گشاده کنی آنرا و نه مرضی

اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا عَيْبًا اِلَّا سَتَرْتَهُ
مگر آنکه شفا بدهی آنرا و نه عیبی مگر آنکه بپوشانی آنرا

وَلَا رِزْقًا اِلَّا بَسَطْتَهُ وَلَا خَوْفًا
و نه روزی مگر آنکه پهن کنی آنرا و نه ترسی

إلّا أمنته ولا سوء إلّا صرفته

مگر آنکه ایمن کنی مرا از آن و نه بدی مگر آنکه بگردانی آنرا

ولا حاجة هي لك رضا ولي

و نه حاجتی که آن حاجت ترا خشنودی است و مرا

فيها صلاح إلّا قضيتها يا أرحم

در آن صلاح است مگر آنکه بر آوری آنرا ای رحم

تعقیب نماز عصر الراحمین

کننده رحم کنندگان

سید بن طاوس علیه الرحمة روایت کرده از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که بعد از نماز عصر این دعا میخواندند

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

سبحان الله والحمد لله ولا إله

منزه است خدا و حمد مر خدا راست و نیست خدا

إلّا الله والله أكبر ولا حول

مگر خدا و خدا بزرگتر است و حول

ولا قوة إلّا بالله العليّ العظيم

و نه قوه نیست مگر بخدای بلند بزرگ

سبحان الله بالغدوّ والآصال

منزه میدانم خدا را در صبح و شام

سبحان الله بالعشيّ والإبكار

منزه میدانم خدا را در شام و صبح

فسبحان الله حين تمسون وحين

پس منزه است خدا وقت شام و وقتیکه

تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ

صباح — و مر او راست حمد — در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

و زمین — و در شام — وقت ظهر

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

منزه است — پروردگار تو — که عزیز است از آنچه

يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وصف میکنند — سلام باد — بر — پیغمبران

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ

و حمد خدا راست — که پروردگار عالمیانست — منزه است

ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِي

صاحب ملک — و ملکوت — منزه است صاحب

الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي

عزت — و جبروت — منزه است — زنده که

لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ

نمیمیرد — منزه است — قائم — دائم

سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ

منزه است — حی — قیوم — منزه است علی

الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى سُبُّوحٌ

اعلی — منزه است — و علیه بسیار منزه

قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ

مقدس است — پروردگار ما — و پروردگار — ملائکه و روح

اللّٰهُمَّ إِنَّ ذَنْبِي أَمْسَى مُسْتَجِيرًا

خداوندا — بدرستیکه گناه من — شده — پناه برنده

بعفوك وخوفي امسى مستجيراً بامنك

بخشش تو و خوف از شام که پناه برنده بامان تو

وفقري امسى مستجيراً بغناك وذلي

و فقر من شام که پناه برنده بغنای تو و ذلت من

امسى مستجيراً بعزك اللهم صل

شام که پناه برنده بعزت تو خداوندا رحمت

على محمد وآل محمد واغفر لي

بفرست بر محمد و آل محمد و بخشش مرا

وارحمني انك حميد مجيد اللهم

و رحم کن بر من بدرستی تو ستوده شده و بزرگواری خداوندا

تم نورك فهديت فلك الحمد وعظم

تمام شد نور تو پس هدایت کردی پس تراست سپاس و بزرگ شد

حلمك فعفوت فلك الحمد وجهك

حلم تو پس بخشیدی پس تراست حمد روی تو

ربنا اكرم الوجوه وجاهك اعظم

ای پروردگار ما گرامی ترین روهاست و جاه تو بزرگترین

الجاه وعطيتك افضل العطاء

جاه است و عطای تو افضل عطاهاست

تطاع ربنا فتشكر وتعصى فتغفر

اطاعت کرده میشوی ای خدا پس قبول میکنی و نافرمانی کرده میشوی پس میآمرزی

وتجيب المضطر وتكشف الضر

و اجابت میکنی مضطر را و بر میداری سختی را

وتنجي من الكرب وتغني الفقير وتشفي

و نجات میدهی از بلا و محنت و غنی میکنی فقیر را و شفا میدهی

السّقيم ولا يجازى آلائك احدٌ
بيماررا جزا نمی تواند بدهد نعمتهای ترا کسی

ادعيه وانت ارحم الرّاحمين تمام شد
و تو رحم کننده ترين رحم کنندگان

بسم الله الرّحمن الرّحيم
بنام خداوند بخشنده مهربان

اللّهمّ انّى اسئلك موجبات
خدايا بدرستيکه من سؤال ميکنم از تو سببهای

رحمتك وعزائم مغفرتك والسّلامة
رحمت ترا و عزيمتهای مغفرت ترا و سلامتی را

من كلّ اثمٍ والغنيمة من كلّ برٍّ
از هر گناه و غنيمت را از هر احسان

والنّجاة من النّار ومن كلّ بليّةٍ
و نجات را از آتش و از هر بلا

والفوز بالجنّة والرّضوان فى
و رسيدن به جنت و رضوان را در

دار السّلامة وجوار نبيّك محمّدٍ
دار سلامت و همسايگی پيغمبر تو محمد

وآله عليهم السّلام اللّهمّ ما بنا
و آل او عليهم السلام خدايا هر چه در ما است

من نعمةٍ فمنك لا اله الّا انت
از نعمت پس از تست نيست خدائی مگر تو

ادعيه استغفرك واتوب اليك
استغفار ميکنم از تو و توبه ميکنم بسوی تو

أعوذ بعزة الله وأعوذ بقدرة
پناه میبرم بعزت خدا و پناه میبرم بقدرت

الله وأعوذ بمغفرة الله وأعوذ
خدا و پناه میبرم ببخشش خدا و پناه میبرم

برحمة الله وأعوذ بسلطان الله
برحمت خدا و پناه میبرم بسلطنت خدا

الذي هو على كل شيء قدير وأعوذ
که او بر هر چیز قادر است و پناه میبرم

بكرم الله وأعوذ بجمع الله من
بکرم خدا و پناه میبرم بجمع خدا از

شر كل جبار عنيد وشيطان
شر هر جبر کننده عناد کننده و هر شیطان

مريد وكل مغتال وسارق
و هر فریبنده و دزد

وعارض ومن شر السامة والهامة
و عارض و از شر سامه و هامه

والعامة ومن شر كل دابة صغيرة
و عامه و از شر هر جنبنده کوچک

أو كبيرة بليل أو نهار ومن
یا بزرگ در شب یا روز و از

شر فساق العرب والعجم و
شر فاسقان عرب و عجم و

فجارهم ومن شر فسقة الجن و
فاجران ایشان و از شر فاسقان جن و

الأنس ومن شر كل دابة انت

والنس و از شر هر جنبنده تو

اخذ بناصيتها ان ربي على

گرفته ای به پیشانی او را هر آینه پروردگار

صراط مستقيم

راه راست است

دعائی که بعد از نماز فریضه هر وقت بخوانند خوب است

بسم الله الرحمن الرحيم

نام خداوند بخشنده مهربان

الهي بحق الخمسة محمد رسولك

پروردگارا بحق پنج تن محمد رسول تو

وعلي وصي رسولك وفاطمة بنت

و علی وصی رسول تو و فاطمه دختر

رسولك والحسن والحسين سبطي

رسول تو و بحق حسن و حسین پسران

رسولك وبعزة جلال وجهك

رسول تو و بحق عزت جلال وجه تو

الكريم صل على محمد وال محمد

کریمت رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

واجعل لي مما انا فيه فرجا

و بگردان برای من از آنچه در آنم فرجی

ومخرجا قريبا سريعا برحمتك التي

و بیرون آمدن نزدیکی برحمت تو که

لا یضیق من شیء بقدرتک التی

تنگ نمی شود از چیزی بقدرت تو که لا

لا یتلکأ باجابتها شیء فی

تأثیر نمیکند در اجابت او چیزی در

السموات ولا فی الارض

آسمانها و نه زمین

مناجات جناب سید الساجدین امام زین العابدین ع

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

مولای مولای انت المولی وانا

آقای من آقای من تو آقای و من

العبد وهل یرحم العبد الا

بنده آیا رحم میکند بنده را مگر

المولی مولای مولای انت العزیز

آقا آقای من آقای من توئی عزیز

وانا الذلیل وهل یرحم

و منم ذلیل و آیا رحم میکند

الذلیل الا العزیز مولای مولای

بر ذلیل مگر عزیز مولای من آقای

انت الخالق وانا المخلوق وهل

توئی خالق و من مخلوق و آیا

یرحم المخلوق الا الخالق مولای

رحم میکند بر مخلوق مگر خالق آقای من

العبد

مولای انت المعطی وانا السائل
آقای من تو دهنده من خواهنده
وهل یرحم السائل الا المعطی
و آیا رحم میکند خواهنده را غیر از دهنده
مولای مولای انت المغیث
آقای من آقای من تو پناه دهنده
وانا المستغیث وهل یرحم المستغیث
من پناه خواهنده و آیا رحم میکند پناه خواهنده را
الا المغیث مولای مولای انت
غیر از پناه دهنده آقای من آقای من تو
الباقی وانا الفانی وهل یرحم
باقی من فانی و آیا رحم

الفانی

الفانی الا الباقی مولای مولای
میکند بر فانی بغیر از باقی آقای من آقای من
انت الدائم وانا الزائل وهل
تو دائم و منم زایل و آیا
یرحم الزائل الا الدائم مولای
رحم میکند بر زایل بغیر از دائم آقای من
مولای انت الحی وانا المیت
آقای من تو زنده من مرده
وهل یرحم المیت الا الحی مولای
و آیا رحم میکند بر مرده مگر زنده آقای من
مولای انت القوی وانا الضعیف
آقای من تو قوی من ضعیف

وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ اِلَّا الْقَوِيُّ
و آيا رحم ميكند بر ضعيف مگر قوى

مَوْلَايَ مَوْلَايَ اَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا
آقاى من آقاى من توئى غنى ومنم

الْفَقِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ
فقير و آيا رحم ميكند بر فقير

اِلَّا الْغَنِيُّ مَوْلَايَ مَوْلَايَ اَنْتَ
مگر غنى آقاى من آقاى من تو

الْكَبِيرُ وَاَنَا الصَّغِيرُ وَهَلْ
بزرگى من كوچك و آيا

يَرْحَمُ الصَّغِيرَ اِلَّا الْكَبِيرُ مَوْلَايَ
رحم ميكند بر كوچك [illegible] بغير از [illegible] بزرگ آقاى

مولاى

مَوْلَايَ اَنْتَ الْمَالِكُ وَاَنَا الْمَمْلُوكُ
آقاى من تو مالكى ومن مملوك

وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ اِلَّا الْمَالِكُ
آيا رحم ميكند بر مملوك مگر مالك

دُعَاءُ رُؤْيَةِ الْهِلَالِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداى بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنَّ النَّاسَ اِذَا نَظَرُوا اِلَى
خدايا بدرستيكه خلق زمانيكه نظر ميكنند بر

الْهِلَالِ نَظَرَ بَعْضُهُمْ اِلَى بَعْضٍ
ماه نو نظر كنند بعضى بر بعضى

وَإِنِّي نَظَرْتُ إِلَى أَسْمَائِكَ وَاسْمِ
و من نظر میکنم به نامهای تو و نام

نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَأَوْلِيَائِكَ عَلَيْهِمُ
پیغمبر تو و ولی تو و مختارات و اولیای تو بر ایشان باد

السَّلَامُ وَإِلَى كِتَابِكَ الْعَزِيزِ
سلام و نظر میکنم بر کتاب عزیز تو

فَأَعْطِنِي كُلَّ الَّذِي أُحِبُّ
پس بده من هر چیزی را که دوست میدارم

مِنَ الْخَيْرِ وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ
از خیر و بگردان از من هر

مَا أُحِبُّ أَنْ تَصْرِفَ مِنَ الشَّرِّ
چیزی را که میخواهم بگردانی از شر

وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ
و زیاده ده به من از فضل خود چیزی را که تو

أَهْلُهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اهل آنی به رحمت تو ای رحم کننده رحم کنندگان

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ اللهُ الصَّمَدُ
بگو خدا یکی است خدا صمد است

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
یعنی چیزی از او بیرون نیامده و از چیزی بیرون نیامده و چیزی برای او مثل نیست

هر که بیابد آیت احد مبارک نما نظر کند

دیگر دعاء نور بعد از هر نماز صبح تا نماه وزن

روز با خوش میکذرانند

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الله محمد علی فاطمة حسن حسین

الله محمد علی فاطمه حسن حسین

علی محمد جعفر موسی علی محمد علی

علی محمد جعفر موسی علی محمد علی

علی حسن محمد السلم

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اذا جاء نصر الله والفتح ورأیت

وقتیکه آمد یاری خدا و فتح و دیدی

الناس یدخلون فی دین الله

خلق را که داخل میشوند در دین خدا

افواجا فسبح بحمد ربك

فوج فوج پس تسبیح کن بحمد پروردگار خود

واستغفره انه کان توابا

و طلب مغفرت کن از او بدرستیکه او قبول کننده توبه است

هر کس این دعا را بعد هر نماز بخواند جمیع ابواب حاجتش روا میشود

الهی بحق الحسین وجده وابیه

خدایا بحق حسین و جد او و پدر او

وامه واخیه وصاحبته وبنیه

و مادر او و برادر او و زوجه او و اولاد او

وشیعته وموالیه وزوّاره

و شیعه او و دوستان او و زوار او

وقبره ومجاوریه نجّنا من

و قبر او و مجاوران او نجات ده ما را از

الهمّ الذی نحن فیه برحمتک

همی که ما در آن هستیم برحمت خود

یا ارحم الراحمین

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

قد تمت الدعوات بعون الملک الوهاب المجیب الدعوات

هر کس ما را بخواند ... و ... اصل و نعم از ...

در دار السلطنه تبریز کلبه عبد امیر کوچه غنیز ...

ای نبایه صاحب زکوه را بخوانید الغم ازو رفع خواهد شد

کارخانه جعفر عطار و میرزا عبد الله استاد الطباعة

لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

باهتمام استاد الله وردی صورت انطباع پذیرفت

ترجمه دعوات شریفه حسب الفرمایش

نمقته کثیر حضرت فاطمة بنت میرزا محمد علی

جناب میرزا عبد الله ... گردید ... مرتضی ... ابن میرزا ...

خوئی غفر الله له ولوالدیه ولاقربائه سنه ١٢٦٩